

صلى الله عليه وسلم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد روانشناسی
گرایش خانواده درمانی

بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری ادراک شده با
طرحواره های ناسازگار اولیه و جهت گیری مذهبی

نگارنده:

مریم حاجی کاظم طهرانی

استاد راهنما:

دکتر معصومه اسمعیلی

استاد مشاور:

دکتر علی فتحی آشتیانی

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم:

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که

در تمام مراحل زندگی و تحصیل حامی و

پشتیبان من بودند.

تقدیر و تشکر:

" سپاس بی کران به درگاه حق، او که قطره‌ای از اقیانوس بی کران علم خویش را بر من عنایت فرمود. "

بدین وسیله از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر معصومه اسمعیلی که در سراسر اجرای پژوهش و تدوین پایان نامه از راهنمایی‌های بی شائبه ایشان بهره بردم، صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی فتحی آشتیانی که رهنمودهای ایشان در راستای انجام هر چه بهتر پژوهش بسیار سازنده و کارساز بوده، کمال تشکر را دارم.

از اساتید محترم جناب آقای دکتر رسول روشن و جناب آقای دکتر علی اکبر سلیمانی نیز به خاطر قبول داوری این پژوهش، متشکرم.

در پایان نیز سپاس و قدردانی خالصانه خود را از کلیه دوستان و عزیزانی که در انجام این پژوهش مرا یاری نمودند، ابراز می‌دارم.

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری ادراک شده با طرحواره های ناسازگار اولیه و جهت گیری مذهبی صورت گرفته است. به این منظور ۳۰۰ دانش آموز دختر مقطع دوم و سوم دبیرستان به شیوه نمونه گیری طبقه ای خوشه ای انتخاب شدند و پرسشنامه های ابعاد رفتاری والدین شیفر و فرم کوتاه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و جهت گیری مذهبی آلپورت را تکمیل کردند. داده های بدست آمده با استفاده از روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج بدست آمده نشان داد که شیوه فرزندپروری با بعد غالب محبت پیش بینی کننده معناداری برای سطوح پایین تر طرحواره های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، خودتحول نیافته/گرفتار، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی و خویش‌تنداری و خودانضباطی ناکافی و جهت گیری مذهبی بیرونی و سطوح بالاتر جهت گیری مذهبی درونی است و شیوه فرزندپروری با بعد غالب کنترل پیش بینی کننده معناداری برای سطوح بالاتر طرحواره های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، بی اعتمادی/بدرفتاری، نقص/شرم، اطاعت و ایثار است.

همچنین طرحواره های ناسازگار اولیه اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی و خویش‌تنداری و خودانضباطی ناکافی پیش بینی کننده مستقیم و معناداری برای جهت گیری مذهبی بیرونی است و طرحواره های ناسازگار انزوای اجتماعی/بیگانگی، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری و خودتحول نیافته/گرفتار به طور معکوس و معناداری جهت گیری مذهبی درونی را پیش بینی می کند.

با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می رسد که والدین می توانند با بکارگیری شیوه های فرزندپروری گرم و حمایتی مانع از شکل گیری طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان شده و آنها را به سمت جهت گیری مذهبی درونی سوق دهند.

واژه های کلیدی: شیوه های فرزندپروری، طرحواره های ناسازگار اولیه و جهت گیری مذهبی.

الف) فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	۱-۱-مقدمه
۹	۲-۱-بیان مسئله
۱۳	۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۴	۴-۱-اهداف پژوهش
۱۴	۱-۴-۱-هدف کلی
۱۴	۲-۴-۱-هدف فرعی
۱۵	۵-۱-فرضیات پژوهش
۱۵	۶-۱-سوال های پژوهش
۱۵	۷-۱-مفاهیم پژوهش
۱۵	۱-۷-۱-تعاریف نظری
۱۷	۲-۷-۱-تعاریف عملیاتی
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق
۱۹	۱-۲-۱-فرزندپروری
۲۱	۱-۱-۲-سبک های فرزندپروری بامریند
۲۶	۲-۱-۲-مدل چهارگانه سبک های فرزندپروری
۲۷	۳-۱-۲-سبک های فرزندپروری از دیدگاه شیفر
۲۹	۴-۱-۲-رابطه والد-کودک از دیدگاه پارکر
۳۰	۲-۲-۲-طرحواره
۳۲	۱-۲-۲-ویژگی طرحواره ها
۳۴	۲-۲-۲-طرحواره های ناسازگار اولیه
۳۵	۳-۲-۲-ویژگی های طرحواره های ناسازگار اولیه
۳۷	۴-۲-۲-ریشه تحولی طرحواره های ناسازگار اولیه
۳۹	۵-۲-۲-حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه
۵۳	۶-۲-۲-فرآیند تداوم طرحواره های ناسازگار اولیه
۵۵	۷-۲-۲-ذهنیت های طرحواره

۵۵ ۳-۲- مذهب
۵۷ ۱-۳-۲- دیدگاه صاحب نظران روانشناسی دربارهٔ مذهب
۵۷ ۱-۱-۳-۲- آلپورت
۵۹ ۲-۱-۳-۲- فروید
۶۰ ۳-۱-۳-۲- یونگ
۶۱ ۴-۱-۳-۲- فروم
۶۲ ۵-۱-۳-۲- جیمز
۶۳ ۶-۱-۳-۲- هال
۶۳ ۷-۱-۳-۲- الیس
۶۴ ۸-۱-۳-۲- مزلو
۶۵ ۹-۱-۳-۲- برگین
۶۵ ۱۰-۱-۳-۲- اریکسون
۶۶ ۱۱-۱-۳-۲- فرانکل
۶۶ ۲-۳-۲- دیدگاه اسلام دربارهٔ دین و مذهب
۶۹ ۳-۳-۲- نقش والدین در تربیت دینی
۷۱ ۴-۲- بررسی تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش
۷۱ ۱-۴-۲- تحقیقات انجام شده در خارج از کشور
۷۵ ۲-۴-۲- تحقیقات انجام شده در ایران

فصل سوم: روش تحقیق

۷۸ ۱-۳- نوع پژوهش
۷۸ ۲-۳- جامعهٔ آماری
۷۹ ۳-۳- نمونهٔ آماری
۷۹ ۴-۳- روش نمونه گیری
۷۹ ۵-۳- ابزارهای اندازه گیری
۷۹ ۱-۵-۳- پرسشنامهٔ ابعاد رفتاری والدین
۸۱ ۲-۵-۳- فرم کوتاه پرسشنامهٔ طرحواره های ناسازگار اولیه
۸۳ ۳-۵-۳- پرسشنامهٔ جهت گیری مذهبی آلپورت
۸۴ ۶-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

- ۸۷ ۱-۴- یافته های توصیفی
- ۸۸ ۲-۴- یافته ها در چهارچوب فرضیات و سوال های پژوهش

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۱۱۴ ۱-۵- بحث در چهارچوب فرضیه ها و سوالات پژوهش
- ۱۲۴ ۲-۵- نتیجه گیری
- ۱۲۵ ۳-۵- محدودیت ها
- ۱۲۵ ۴-۵- پیشنهادها
- ۱۲۵ ۱-۴-۵- پیشنهادهای پژوهشی
- ۱۲۵ ۲-۴-۵- پیشنهادهای کاربردی
- ۱۲۷ منابع فارسی
- ۱۳۳ منابع لاتین

پیوست ها

الف) پرسشنامه ابعاد رفتاری والدین

ب) فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ

ج) پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت

ب) فهرست جداول:

صفحه	عنوان
۸۰	جدول ۳-۱: ابعاد کنترل / آزادی و محبت/ طرد
۸۷	جدول ۴-۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش
	جدول ۴-۲: ضرایب همبستگی بین شیوه های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار و جهت
۸۹ گیری مذهبی
۹۱	جدول ۴-۳: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره محرومیت هیجانی و شیوه های فرزندپروری
۹۱	جدول ۴-۴: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۲	جدول ۴-۵: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره رهاشدگی/بی ثباتی و شیوه های فرزندپروری
۹۲	جدول ۴-۶: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره بی اعتمادی/بدرفتاری و شیوه های فرزندپروری
۹۳	جدول ۴-۷: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۳	جدول ۴-۸: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی و شیوه های فرزندپروری
۹۴	جدول ۴-۹: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۴	جدول ۴-۱۰: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره نقص/شرم و شیوه های فرزندپروری
۹۵	جدول ۴-۱۱: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۵	جدول ۴-۱۲: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره شکست و شیوه های فرزندپروری
۹۶	جدول ۴-۱۳: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره وابستگی/بی کفایتی و شیوه های فرزندپروری
۹۶	جدول ۴-۱۴: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۷	جدول ۴-۱۵: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره خودتحول نیافته/گرفتار و شیوه های فرزندپروری
۹۷	جدول ۴-۱۶: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۸	جدول ۴-۱۷: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره اطاعت و شیوه های فرزندپروری
۹۸	جدول ۴-۱۸: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۹۹	جدول ۴-۱۹: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره ایثار و شیوه های فرزندپروری
۹۹	جدول ۴-۲۰: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
۱۰۰	جدول ۴-۲۱: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره بازداری هیجانی و شیوه های فرزندپروری
۱۰۰	جدول ۴-۲۲: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن
	جدول ۴-۲۳: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی و
۱۰۱ شیوه های فرزندپروری

- جدول ۴-۲۴: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۰۱
- جدول ۴-۲۵: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره خویشتنداری و خود انضباطی ناکافی و شیوه های فرزندپروری ۱۰۲
- جدول ۴-۲۶: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۰۲
- جدول ۴-۲۷: خلاصه اطلاعات رگرسیون جهت گیری مذهبی درونی و شیوه های فرزندپروری ۱۰۴
- جدول ۴-۲۸: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۰۴
- جدول ۴-۲۹: خلاصه اطلاعات رگرسیون جهت گیری مذهبی بیرونی و شیوه های فرزندپروری ۱۰۵
- جدول ۴-۳۰: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۰۵
- جدول ۴-۳۱: ضرایب همبستگی بین طرحواره های ناسازگار اولیه و جهت گیری مذهبی به همراه سطح معناداری آن ۱۰۷
- جدول ۴-۳۲: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره های ناسازگار و جهت گیری مذهبی بیرونی ۱۰۹
- جدول ۴-۳۳: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۰۹
- جدول ۴-۳۴: خلاصه اطلاعات رگرسیون طرحواره های ناسازگار و جهت گیری مذهبی درونی ۱۱۰
- جدول ۴-۳۵: ضرایب رگرسیون به همراه آزمون t برای بررسی معناداری آن ۱۱۱

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه:

خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است، مبنا و پایه هر اجتماعی بزرگتر است و نقش حیاتی در پرورش اجتماع دارد. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک را زیر سرپرستی و مراقبت قرار می دهد. از این رو می توان گفت که بیش از تمام محیط های دیگر در رشد و تکامل فرد تاثیر دارد.

تاثیر خانواده بر فرایند "تحول" چنان بارز است که با وجود اختلافات میان صاحب نظران روانشناسی در زمینه اهمیت خانواده و تاثیر آن بر تحول نقطه نظر مشترک وجود دارد. اکثر روانشناسان صرف نظر از مکتبی که دارند، کنش های میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی نموده اند (بالبی^۱، ۱۹۶۹؛ فروید^۲، ۱۹۶۴؛ به نقل از برومند نسب، ۱۳۷۳).

موقعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی خانواده، افکار و عقاید، آداب و رسوم، ایده آل ها و آرزوهای والدین به خصوص عملکرد و شیوه های فرزندپروری آنها در شکل گیری افکار و عقاید، خلق و خو و طرز رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد (پشین، ۱۳۸۸).

¹. Bowlby, J.

². Freud, S.

یکی از نیرومندترین رویکردها در زمینه چگونگی تاثیر والدین بر رشد اجتماعی و شایستگی در کودکان، مطالعه ای تحت عنوان "شیوه های فرزند پروری"^۱ است که توسط دارلینگ و استنبرگ^۲ در سال ۱۹۹۳ صورت گرفته است. شیوه های فرزند پروری مجموعه ای از نگرش های والدین نسبت به فرزندان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می نماید. این رفتارها هم در برگیرنده رفتارهای مشخصی است که از طریق آنها، والدین به وظایف والدینیشان عمل می کنند و در جهت هدف والدین است و هم دربرگیرنده رفتارهای غیر مرتبط با هدف های والدینی که شامل ژست ها، تغییر تن صدا یا بیان هیجان های غیر ارادی است. در واقع فرزندپروری مجموعه ای از گرایش ها، اعمال و جلوه های غیر کلامی است که ماهیت تعاملی والد-کودک را در طول دامنه وسیعی از موقعیت ها توصیف می کند (گلاسکو^۳ و همکاران، ۱۹۹۷).

شیوه های فرزندپروری از دو عنصر تشکیل شده است: درخواست کنندگی والدینی (کنترل) و پاسخ دهندگی والدینی (گرمی و پذیرش). از ترکیب این دو عنصر، چهار شیوه فرزندپروری به وجود می آید که عبارتند از: الف) شیوه فرزندپروری مقتدر (درخواست کنندگی بالا، پاسخ دهندگی بالا). در این شیوه، والدین کودکان را کنترل می کنند و مقررات واضحی برای رفتارهای کودکان وضع می کنند. آنها قاطع هستند ولی سخت گیر نیستند. روش های انضباطی آنها بیشتر حمایتی است تا اینکه تنبیهی باشد. در واقع والدین خصوصیات فعلی کودک را حمایت می کنند در حالیکه استانداردهایی برای رفتار مناسب در آینده تعیین می کنند (بامریند^۳، ۱۹۹۹؛ به نقل از دارلینگ، ۱۹۹۹؛ لاکستون^۱، ۲۰۰۷؛

^۱. Child rearing practices

^۲. Darling, N. & Sternberg, L.

^۳. Bamrind, D.

دیاز^۲، ۲۰۰۵). ب) شیوه فرزندپروری مستبد (درخواست کنندگی بالا، پاسخ دهندگی پایین). در این شیوه، والدین قدرت مدار و واضح قوانین هستند و انتظار دارند دستوراتشان بدون توضیح دادن اطاعت شود. ج) شیوه فرزندپروری سهل گیر (درخواست کنندگی پایین، پاسخ دهندگی بالا). در این شیوه، والدین سنتی نیستند و آسان گیراند، رفتارهای پخته ای ندارند و خودنظمی زیادی می بخشند (دارلینگ، ۱۹۹۹)، قدرت مساوی با کودک دارند و خود را به عنوان منبعی برای کودک نشان می دهند تا هر زمان که کودک بخواهد از آنها استفاده کند اما الگویی برای رفتار مناسب نیستند (بامریند، ۱۹۹۹؛ روبرتا^۳، ۲۰۰۹). د) شیوه فرزندپروری مسامحه کار یا بی توجه (درخواست کنندگی پایین، پاسخ دهندگی پایین). در این شیوه، والدین خود را در تربیت کودکان درگیر نمی کنند و به نظر می رسد مراقبتی روی فرزندان نداشته و حتی ممکن است آنها را هرگز نپذیرند (دارلینگ، ۱۹۹۹؛ دیاز، ۲۰۰۵).

پیاژه^۴ در سال ۱۹۵۴ و بالبی در سال ۱۹۶۹ بیان کردند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام "طرحواره" می شود. این طرحواره ها در زندگی فرد به عنوان عدسی هایی عمل می کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می دهند (به نقل از گانتی^۶، ۲۰۰۸).

¹.Luxton, D.D.

².Diaz, Y.

³.Roberta, M. B.

⁴. Piaget, J.

⁵.Schema

⁶. Gunty, B.

متعاقب این دیدگاه، یانگ، نظری را در رابطه با طرحواره های ناسازگار اولیه گسترش داد. یانگ معتقد است که طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون مایه های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجان ها، شناخت واره ها و احساسات بدنی تشکیل شده اند و طی دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته و در سیر زندگی تداوم یافته، در مورد خود و رابطه با دیگران هستند و به شدت ناکارآمدند. برخی از این طرحواره ها به ویژه آنهایی که در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می گیرند ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور یک قرار بگیرند. (یانگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۹).

ریشه تحولی طرحواره های ناسازگار اولیه، عدم ارضای نیازهای هیجانی اساسی (شامل ۵ حیطه: دلبستگی ایمن به دیگران مانند نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش/ خودگردانی، کفایت و هویت / آزادی در بیان نیازها و هیجان های سالم/ خودانگیزگی و تفریح/ محدودیت های واقع بینانه و خویشتنداری) (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ گاردنر^۲، ۲۰۰۴)؛ تجارب اولیه زندگی (شامل ۴ دسته که روند اکتساب طرحواره ها را تسریع می کند: ناکامی ناگوار نیازها، آسیب دیدن و قربانی شدن، تجربه بیش از حد چیزهای خوب و ارضای بیش از حد، درونی سازی انتخابی یا همانند سازی با افراد مهم زندگی مانند همانندسازی با رفتار نادرست والدین) (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)؛ و خلق و خو و مزاج هیجانی کودک که در تعامل با وقایع دردناک دوران کودکی منجر به شکل گیری طرحواره ها می شود، است. که با توجه به دیدگاه اریکسون^۳ که در سال ۱۹۵۰ مطرح نمود، شکست در

¹. Young, J. E.

². Gardner, J.

³. Erikson, E.

هر یک از مراحل رشد روانی- اجتماعی منجر به ایجاد طرحواره ناسازگار می گردد (یانگ، ۱۹۹۴؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

به طور کلی می توان طرحواره های ناسازگار اولیه را در ۵ حوزه قرار داد (هوفارت^۱ و همکاران، ۲۰۰۵):

حوزه اول، بریدگی و طرد؛ این حوزه مربوط به ارضا نشدن نیاز به امنیت و برقراری ارتباط رضایت بخش با دیگران است (کاستیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسکین^۳، ۲۰۰۷). باور اصلی افرادی که طرحواره هایشان در این حوزه قرار دارد این است که روابط غیر قابل اعتماد، بی اعتبار و دست نیافتنی است. این افراد معتقدند نیازشان به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نشده است و اغلب دوران کودکی تکان دهنده ای داشته اند. از جمله طرحواره های این حوزه عبارتند از: رهاشدگی/بی ثباتی، بی اعتمادی/بد رفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/شرم و انزوای اجتماعی/بیگانگی. طرحواره های این حوزه به طور معمول در خانواده هایی به وجود می آید که بی عاطفه، سرد، مضایقه گر، منزوی، تندخو، غیر قابل پیش بینی یا بد رفتار هستند (راجیکبور و برگ^۴، ۲۰۰۶). حوزه دوم، خودگردانی و عملکرد مختل؛ این حوزه انتظارات فرد از خودش و محیط را در مورد امکان جدا شدن، مستقل شدن، بقاء و عملکرد موفقیت آمیز در بر می گیرد (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). از جمله طرحواره های این حوزه عبارتند از: وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری، خود تحول نیافته و گرفتار، شکست. طرحواره های این حوزه در خانواده هایی به وجود می آید که اعتماد به نفس کودک خود

¹. Hoffart, A.

². Castille, K.

³. Skeen, M.

⁴. Rijkeboer, M. & Bergh, H.

را کاهش می دهند، گرفتارند، بیش از حد از کودک محافظت می کنند یا اینکه نتوانسته اند کودک را به انجام کارهای بیرون از خانه تشویق کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). حوزه سوم، محدودیت های مختل؛ این حوزه نمایانگر نقص در مسئولیت ها و محدودیت های فردی برای خود از قبیل مسئولیت پذیری نسبت به دیگران یا جهت گیری نسبت به اهداف بلند مدت زندگی است (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). افرادی که این طرحواره ها را دارند محدودیت های درونیشان در رابطه با احترام متقابل، قدردانی و خویشتنداری به اندازه کافی رشد نکرده است. از جمله طرحواره های این حوزه عبارتند از: استحقاق/بزرگ منشی، خویشتنداری و خود انضباطی ناکافی. طرحواره های این حوزه در خانواده هایی به وجود می آید که وجه مشخصه آنها سهل انگاری افراطی، سردرگمی یا حس برتری است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). حوزه چهارم، دیگر جهت مندی؛ این حوزه نمایانگر تمرکز بیش از حد بر تمایلات و احساسات دیگران و در مقابل نادیده گرفتن نیازهای خود به منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی جویی صورت می گیرد (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). باور این افراد این است که فقط نیازها، خواسته ها و احساسات دیگران مهم است. این افراد در کودکی آزاد نبوده اند تا از تمایلات طبیعی خودشان پیروی کنند و در بزرگسالی به جای این که از درون جهت دهی شوند از محیط بیرونی تاثیر می پذیرند و از خواسته های دیگران تبعیت می کنند. از جمله طرحواره های این حوزه عبارتند از: اطاعت، ایثار، پذیرش جویی/جلب توجه. طرحواره های این حوزه به طور معمول در خانواده هایی به وجود می آید که کودک را با قید و شرط پذیرفته اند. حوزه پنجم، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری؛ افرادی که طرحواره هایشان در این حوزه قرار دارد بیش از حد و به شیوه ای افراطی بر

واپس رانی احساسات درونی و تکانه های خودانگیخته تاکید دارند و انتظارات و قوانین درونی شده آنها در خصوص عملکرد و رفتار اخلاقی چنان سختگیرانه است که مانع برقراری روابط صمیمانه، خوشحالی و آرامش فرد می شود (تاک^۱، ۲۰۰۵؛ کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). از جمله طرحواره های این حوزه عبارتند از: منفی گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی، تنبیه. طرحواره های این حوزه به طور معمول در خانواده هایی به وجود می آید که عصبانیت، توقع و گاهی اوقات تنبیه مشاهده می شود و بر عملکرد عالی، بی نقص گرایی، وظیفه شناسی، پیروی از قوانین، پنهان سازی هیجان ها و اجتناب از اشتباه تاکید می شود (کوکرام^۲، ۲۰۰۹).

دین، وجه اصلی امتیاز بشر است. تاریخ بشریت نشان داده است که انسان "دین ورز" قدمتی دیرینه دارد. آنچنان که از مطالعات باستان شناسی و انسان شناسی از اعصار دور برمی آید، "مذهب" به عنوان جزء لاینفک زندگی بشری در تمامی اعصار بوده است. ویل دورانت معتقد است دین به اندازه ای غنی، فراگیر و پیچیده است که جنبه های مختلف و متفاوت آن برای دیدگاه ها و نگرش های مختلف به گونه ای متفاوت جلوه می کند، اما مهم این است که هیچ دوره ای از تاریخ خالی از اعتقادات دینی نبوده است (صادقی جانبهان و نجم عراقی، ۱۳۷۸).

آپورت، مذهب را به عنوان فلسفه وحدت بخش زندگی توصیف می کند و آن را یکی از عوامل بالقوه مهم برای سلامت روان دانسته و معتقد است که نظام ارزشی مذهبی، بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می کند. البته بیان می کند، این طور نیست که تمامی افرادی که ادعای مذهبی بودن دارند، دارای

¹. Tolk, L.

². Cockram, D.

شخصیت سالم هستند. از دیدگاه او جهت گیری مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی می باشد. در جهت گیری مذهبی درونی، مذهب، فراگیر و دارای اصول سازمان یافته درونی شده است که خود غایت و هدف است و نه وسیله ای برای رسیدن به هدف. اما در جهت گیری مذهبی بیرونی، مذهب، امری خارجی بوده و به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و موقعیت مورد استفاده قرار می گیرد. به عبارت دیگر، دینداری و مذهبی بودن برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است (آلپورت^۱، ۱۹۶۸).

۱-۲- بیان مسئله:

طبق نظر اپسین^۲ در سال ۱۹۷۱، والدین از طریق عوامل مختلفی بر رشد عقلی و ذهنی فرزندان تاثیر می گذارند. یکی از این عوامل شیوه های تربیتی اعمال شده از سوی والدین است. شیوه های تربیتی، الگویی از نگرش هاست که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می کنند. این الگوها در شیوه ها و درجاتی که والدین نسبت به ارزش ها، رفتارها و معیارهایی که برای فرزندان خود وضع می کنند، متفاوت است (دارلینگ، ۱۹۹۹).

پژوهش های وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکانشان انجام شده نشان می دهد که روش های تربیتی والدین اثرات طولانی بر عقاید و افکار، رفتار و عملکرد، انتظارات و شخصیت افراد در آینده دارد (هریس و سرتین^۳، ۲۰۰۲).

^۱ Allport, G. W.

^۲ Epstein, J. L.

^۳ Harris, E. A. & Curtin, L.